مروری کوتاه بر تاریخچه کتاب کودک در ایران

زمانی برای کودکی

حسین بکایی

نقطه آغاز ادبیات کودک ایران به‌درستی معلوم نیست. از هزاران‌سال پیش در فلات ایران متونی برای آموزش شاهزادگان یعنی کسانی که باید برای فرمانروایی تربیت می‌شدند، تولید می‌شد. امروز از این متون فقط نام‌ها، یادآوری‌ها و اخباری موجود است. در دوران اسلامی و با توسعه زبان فارسی دری متون ارشادی و آموزشی و علمی متعددی در زبان فارسی تولید شد. برخی از این متون به شکل سنتی برای تربیت‌وآموزش شاهزادگان نوشته شده است. قابوسنامه (۴۷۵هجری، قمری- ۱۰۸۲میلادی) نمونه بارزی از این نوع متون است.

پیداشدن شعر فارسی دری در قرن سوم هجری و تحمیل وظایف ارشادی و تربیتی و اخلاقی و آموزشی بر شعر فارسی، در طول قرن‌ها، از شعر فارسی بستری برای جریان اندیشه و فلسفه و اعتقاد ساخت، مثل اشعار مولوی که قرن‌هاست گروه کثیری از انسان‌ها معناهای بلند از آن استخراج می‌کنند. در فاصله بین دوران افول مدارس و مراکز آموزشی که در زمان سلجوقیان در ایران بنیاد شده بود، تا دوران جدید، بسیاری از کتاب‌های بزرگان علم و ادب به‌عنوان متون درسی در اختیار کودکان قرار می‌گرفت. از قرن نوزدهم موج توجه به غرب و تجددخواهی در ایران بلند شد و نخستین حرکت‌ها برای بنیادکردن زیرساخت‌های لازم برای توسعه و پیشرفت آغاز شد. نخستین چاپخانه در سال ۱۸۱۱ و نخستین مدرسه در ۱۸۸۸ در تبریز تاسیس شدند. نکته جالب اینکه زبان نخستین مدرسه ترکی آذری بود. اعزام دانشجو به اروپا که از سال۱۷۸۰ آغاز شده بود، در قرن‌نوزدهم شدت گرفت و نخستین مدرسه گسترده و مدرن ایران با امکانات کامل به نام دارالفنون در ۱۸۵۱ با حضور معلمان اتریشی آغاز به کار کرد. تاسیس مدارس با هدف آموزش و تربیت کودکان برای تخصص‌های مختلف مورد نیاز دولت و ارتش، نیاز به تولید کتاب‌های درسی و آموزشی را ایجاد کرد و چاپخانه امکان تولید انبوه این کتاب‌ها را فراهم آورد. در این سال‌ها نخستین توجه به بایدهاونبایدهای متونی که برای خواندن کودکان تولید می‌شد، دیده می‌شود. در سال ۱۲۸۰ هجری قمری برابر با ۱۸۶۳میلادی ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۸۹۶-۱۸۴۸) دستور نظارت بر کتاب‌های تولیدشده برای مطالعه کودکان را صادر می‌کند. این نخستین دستور رسمی سانسور کتاب در ایران هم هست. جریان انتشار روزنامه که از سال ۱۲۵۳ هجری مطابق با ۱۸۳۷ میلادی با انتشار نخستین ماهنامه ایران به نام «کاغذ اخبار» آغاز شد، در سال۱۲۸۳ هجری مطابق با ۱۸۶۶میلادی با انتشار نخستین نشریه دانش‌آموزی در مدرسه نظامی با نام نظامیه- علمیه با چاپ مطالب تالیفی و ترجمه‌ای برای خواندن دانش‌آموزان و مربیان به داخل گروه‌های اجتماعی کودک و نوجوان راه پیدا کرد. در این فاصله و نیز تا سال۱۳۱۴ هجری-۱۸۹۶ میلادی‌که نخستین نشریه غیردولتی به نام «تربیت» با مقالات تعلیمی و تربیتی و ادبی منتشر شد، بسیاری از نشریات صفحه‌ها و مطالبی را به امر آموزش، تعلیم‌وتربیت و نیز مطالب خواندنی کودکان و نوجوانان اختصاص دادند.

افزایش روزافزون مدرسه و مکان تعلیمی و تربیتی و به همین نسبت افزایش تعداد کودکان و نوجوانان، افزایش توجه به کودکان و نوجوانان در بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی در کنار رشد نیاز به مواد لازم برای تعلیم و تربیت کودکان به‌ویژه مواد میهنی و افزایش نشریات و سازمان‌های انتشاراتی دولتی و خصوصی که نیازمند متون آموزشی و تربیتی برای پرکردن صفحه‌های مجلات و روزنامه‌ها و تولید کتاب بودند، زمینه‌ای را برای ورود صاحبنامان شعر و نثر فارسی به حوزه تولید مواد خواندنی برای کودکان و نوجوانان مثل ایرج‌میرزا (۱۹۲۶-۱۸۷۴)، علی‌اکبر دهخدا (۱۹۵۵ - ۱۸۷۸)، ملک‌الشعرای بهار (۱۹۵۱-۱۸۸۶) و نیما یوشیج (۱۹۵۹ -۱۸۵۹) فراهم آورد. شکل نخستین شعر کودک ایران نظم‌هایی است که با هدف‌های تربیتی و اخلاقی برای نصیحت و راهنمایی کودکان سروده می‌شدند. قالب این شعرها همان قالب‌های شناخته‌شده اشعار بزرگسالان و زبان آنها همان زبان بزرگسالان بود. تاثیرگذارترین فرد از بلندآوازه‌ترین شاعران فارسی‌گوی ایرانی معاصر در شعر کودک نیما یوشیج است. نیما با شکستن قالب‌های سنتی و استفاده از بندهای کوتاه، با واردکردن صداهای طبیعت و حیوانات در شعر کودک، مجوزهای لازم برای برخی کارهای جسورانه را هم در سرودن شعر صادر کرد. عباس یمینی‌شریف (۱۳۶۸- ۱۲۹۸شمسی ۱۹۸۹-۱۹۱۹) که لقب پدر شعر کودک ایران را دارد، نخستین شاعری است که به‌طور اختصاصی برای کودکان شعر می‌سراید و به این کار خود افتخار می‌کند. بخش مهمی از نخستین کتاب‌های درسی و کمی از کتاب‌های غیردرسی‌ای را که برای خواندن کودکان آماده می‌شد، نخستین مترجمان متون علمی و ادبی از زبان‌های غربی مثل فرانسه و انگلیسی تولید کردند. اما بخش مهمی از کتاب‌های درسی علوم ادبی و انسانی و متون خواندنی را نویسندگان گمنام ایرانی با استفاده از متون نام‌آشنایی چون داستان امیرارسلان نامدار و قصه حسین کردشبستری و قصه خاله‌سوسکه و آقاموشه، موش و گربه عبید زاکانی و داستان حضرت امام‌حسن و امام‌حسین و متون درسی پیشین مثل کلیات هفت‌پیکر نظامی تولید کردند.

تاریخ تولید داستان به سبک جدید برای کودکان به‌درستی مشخص نیست اما کسانی مثل محمدعلی جمالزاده (۱۹۹۷-۱۸۹۵)، صادق هدایت (۱۹۶۲-۱۹۰۳)، فضل‌الله صبحی (۱۹۶۲- ۱۸۸۷) انجوی‌شیرازی (۱۹۹۳-۱۹۲۱) صمد بهرنگی (۱۹۶۸-۱۹۳۹) و جلال‌آل‌احمد (۱۹۶۹-۱۹۲۳) اقدام به جمع‌آوری ادبیات شفاهی ایران کردند. از این‌میان تنها صمد بهرنگی است که به عنوان نویسنده کودک پا به میدان گذاشت و تا آخر عمر همین عنوان را حفظ کرد.

در سال۱۹۶۲ شورای کتاب کودک و در سال۱۹۶۴ مجلات پیک و در سال۱۹۶۵ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌عنوان دومرکز مهم که به‌طور اختصاصی در خدمت کودکان و نوجوانان ایران باشند، تاسیس شد و با سرعتی شگرف توسعه پیدا کرد. کانون به‌سرعت جای خود را در ایران و جهان باز کرد،پس از انقلاب سال۱۳۵۷ ادبیات کودک و نوجوان با رشد چشمگیری روبه‌رو شد و هرروز بر تعداد شاعران، نویسندگان و ناشران اضافه شد به‌طوری که در سال۱۳۷۷ که زمینه‌ای برای تاسیس انجمن‌های صنفی آماده شده بود، انجمن‌های نویسندگان و تصویرگران و ناشران کتاب کودک به‌طور مستقل تاسیس شد. امروز انجمن نویسندگان کودک و نوجوان با ۴۵۰عضو فعال و انجمن تصویرگران کتاب کودک با ۲۳۰ و انجمن ناشران با ۵۸عضو در حال فعالیت هستند. در کنار این انجمن‌ها شورای کتاب کودک با ۷۰۰عضو پیوسته و وابسته مشغول فعالیت است.

براساس آخرین آمار، امروز در کتابخانه مرجع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که معتبرترین کتابخانه تخصصی ایران به‌شمار می‌رود، حدود صدهزارعنوان کتاب کودک، تالیف و ترجمه در تمامی زمینه‌ها نگهداری می‌شود.

کتاب کودک در عصر جدید

گیسو فغفوری

«بچه‌های امروزی باهوش‌ترند»، «یک‌کارهایی با تبلت می‌کند من که پدرشم سر درنمی‌آورم»، «همش چهارسالشه اما انگار مهندس کامپیوتره.» این جملات را هرکدام از ما بارها و بارها شنیده یا بر زبان آورده‌ایم. پدر و مادرانی که خود زمانی با امکانات محدود و اطلاعات کمتر به‌روزشده، کودکی خود را پشت‌سر گذرانده‌اند، اکنون با شیوه‌های دیگری از وسایل و شیوه‌های آموزشی مواجه و به‌نوعی مقهور آن هستند. اگر زمانی آنها باید برای هر برنامه علمی یا سرگرمی روزهای هفته را می‌شمردند یا گرفتن کتاب از کتابخانه جزو عادت‌های هفتگی‌شان بود یا شنونده قصه ظهر جمعه بودند و دیدن پدربزرگ و مادربزرگ آنقدر دور از دسترس نبود، اکنون وضعیت متفاوت است. از نظر بعضی از همین مادرها و پدرها با وجود تلویزیون و تبلت‌ها و رسانه‌های اینچنینی که هم ابزار سرگرمی‌اند و هم ابزار آموزش، در نهایت به کتاب‌خواندن برای کودکان نیازی نیست. آنان فکر می‌کنند این رسانه‌ها به‌دلیل جذابیت‌هایشان هم در سرگرم‌کردن کودکان موفق‌ترند و هم در آموزش آنان. از همه اینها مهم‌تر تبلت و تلویزیون ابزار آسایش بزرگسالانی است که بچه دارند، زیرا می‌توان کودکان را ساعت‌ها با آنها مشغول کرد و همچون جعبه‌های مدرن «بگیر و بنشان» از آنها سود برد و به کارهای مهم‌تر رسید، مثلا غرق‌شدن در فضای مجازی.

پارادوکس جذابیت یا آسودگی

کسانی در دنیا پیدا می‌شوند که اصولا تلویزیون و تبلت و ابزارهای مدرن ارتباطی را به‌دلایل مختلف برای بچه‌ها مضر بدانند یا حداقل به نوع استفاده از آنها در میان خانواده‌ها انتقاد داشته باشند. اینکه بیل گیتس یکی از بزرگان دنیای تکنولوژی برای استفاده کودکانش از این ابزار ساعت مشخصی تعیین می‌کند، نکته‌ای است که نمی‌توان به‌سادگی از کنارش گذشت. بی‌تردید این ابزار را نمی‌توان از زندگی کودکان امروز حذف کرد و چه‌بسا بتوان آنها را به ابزاری سودمند و سرگرم‌کننده برای کودکان تبدیل کرد، همان‌طور که این اتفاق افتاده است؛ از بازی‌های آموزشی گرفته تا جست‌وجو برای نوشتن مقاله یا حتی به‌روزشدن کتاب‌های ماندگار کلاسیک از الیور تویست تا پینوکیو برای کودکان. اما در یک نکته دیگر نیز شکی نیست کتاب‌خواندن عملی به‌مراتب سودمندتر و سرگرم‌کننده‌تر و برای کودکان جذاب‌تر است. وقتی صحبت از جذابیت می‌شود، بلافاصله برخی می‌گویند بچه‌ها تلویزیون یا تبلت را بر کتاب ترجیح می‌دهند. این جمله هم درست است و هم غلط. درست است زیرا کتاب‌خواندن نیاز به مهارت و توانایی دارد که همه کودکان از آن برخوردار نیستند، در حالی که تلویزیون نگاه‌کردن نیازی به مهارت خاصی ندارد. سواد خواندن در آموزش‌وپرورش یکی از مهارت‌های پایه‌ای و تاثیرگذار در زندگی کودکان است. بدون برخورداری از این مهارت، بچه‌ها در آموزش همه رشته‌ها دچار مشکل می‌شوند. مهارت خواندن جز با خواندن به‌دست نمی‌آید. بچه‌هایی که کتاب می‌خوانند یا برایشان کتاب خوانده می‌شود، سواد خواندنشان بالاتر می‌رود و کسانی که سواد خواندنشان بالاتر برود، در کسب دانش‌ها و علوم موفق‌ترند. برای همین، تحقیقات جهانی نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که حتی برای سرگرمی رمان و داستان می‌خوانند، در درس‌هایی مانند علوم و ریاضی نیز از دیگر دانش‌آموزان موفق‌ترند. این را می‌توان با آمار و ارقام دریافت، با تحلیل داده‌های آماری آزمون پرلز که هر پنج‌سال یک‌بار برگزار می‌شود؛ آزمونی که برای اندازه‌گیری مهارت خواندن و درک‌مطلب یک روش برای آموزش دقیق‌ترخواندن است. دانش‌آموزان ایرانی، در سه‌دوره اخیر در آزمون‌های پرلز شرکت کرده و در سال۲۰۰۱ میلادی از ۳۵کشور در رتبه۳۲ و در سال۲۰۰۶ میلادی، بین ۴۵کشور جهان، چهلم و در سال۲۰۱۱ به رتبه ۳۸ در بین ۴۵کشور دست یافتند.

آغوش و کتاب

اما چرا جمله «بچه‌ها تلویزیون و تبلت را بر کتاب ترجیح می‌دهند.» غلط است؟ دلیلش ساده است. قرار نیست ما کتاب را جلو کودک بگذاریم و پی کارمان برویم، چنان‌که با تلویزیون این کار را می‌کنیم. ما باید با بچه‌ها برایشان کتاب بخوانیم. این یکی از ویژگی‌های کتاب است. تلویزیون و تبلت به‌دلیل نوع استفاده کودک از آن، او را از شما دور می‌کند، اما کتاب باعث ارتباط قوی‌تر عاطفی و احساسی بین شما و کودکتان می‌شود. شما می‌توانید کتاب‌خواندن را تبدیل به یک‌عمل عاطفی لذت‌بخش بین خود و کودکتان تبدیل کنید. می‌توانید برای او کتاب بخوانید. می‌توانید به کتاب‌خواندن او گوش دهید و کمی شما برای او بخوانید و کمی او برای شما بخواند.

شما شک نکنید کتاب رابطه شما و کودکتان را تقویت و اصلاح می‌کند. او را از مهربانی شما سیراب می‌کند و رفتاری محبت‌آمیز با کودکتان است که قابل‌مقایسه با تلویزیون نگاه‌کردن و سرگرم‌شدن با تبلت و موبایل‌های هوشمند نیست. کتاب‌خواندن ممکن است وقت شما را بیشتر بگیرد، اما شک نداشته باشید خودتان هم لذت خواهید برد.

به‌نظر برخی از کارشناسان کتاب کودک، کتاب کودکی که فقط بچه‌ها از آن خوششان بیاید، کتاب خوبی نیست. بسیاری از کتاب‌های کودکان در روزگار ما نگاهی ویژه و شعرگونه به زندگی داشته و لایه‌هایی عمیق‌تر برای درک و دریافت مادران و پدران و بزرگ‌ترها دارند. اگر شما کتاب‌های خوبی انتخاب کنید، خودتان هم لذت خواهید برد.

کتاب به‌مثابه درمان

البته برخی از پدرومادرها هم مدام برای کودکانشان کتاب می‌خرند، اما از نوع آموزشی و کمک‌درسی، تا آنان را تبدیل به نابغه‌هایی کنند که در این روزگار پیچیده موفق باشند و اینگونه آنان را در کتاب‌هایی نه‌چندان ضروری غرق می‌کنند. شاید برای این پدران و مادران یا حتی بسیاری دیگر شیوه میانه‌ای هم باشد: «کتاب‌درمانی»؛ راه‌حلی برای رفع رفتارها و کارهایی که از کودکانمان نمی‌پسندیم. می‌گویند قدمت «کتاب‌درمانی» به اندازه خواندن کتاب است. آنگونه که در منابع علمی نوشته شده است، مفهوم اساسی کتاب‌درمانی، بازپروری از راه خواندن است. فکر کتاب‌درمانی از آنجا برمی‌خیزد که انسان به تعیین هویت با دیگران از راه ادبیات و هنر علاقه‌مند است. کتاب‌درمانی تعامل بین خواننده و ادبیات است. در این روش، مطالب خواندنی‌ای که در اختیار خواننده قرار می‌گیرد، تاثیر درمانی و شفابخشی دارد. کودکان هنگام کتاب‌درمانی سه‌فرایند را تجربه می‌کنند: فرایند همانندسازی، فرایند پالایش روانی و فرایند بینش درون. از آنجا که کودکان و نوجوانان در بیشتر موارد خود را به جای شخصیت‌های کتاب یا قهرمان‌های اصلی داستان می‌گذارند، چنانچه در پروژه‌های کتاب‌درمانی، کتاب‌های مناسبی گزینش شوند، همانندسازی به آنها کمک می‌کند تا مشکلات خود را شناسایی کنند و هنگامی که در می‌یابند درروياروبی با اینگونه مشکلات تنها نیستند، احساس آرامش و امنیت می‌کنند و از تنهایی و تشویش آنها کاسته می‌شود. زمانی که این همانندسازی صورت گرفت، فرایند پالایش روانی نیز انجام می‌شود.

راه‌های انتخاب بهتر

خوشبختانه برای انتخاب کتاب‌های خوب کودکان و نوجوانان دستتان باز است. علاوه‌بر مطبوعاتی که برای کودکان کتاب انتخاب و جوایزی که کتاب‌های برگزیده را معرفی می‌کنند، مدتی است گروهی از کارشناسان و نویسندگان و منتقدان کتاب کودک و نوجوان فهرستی از کتاب‌های مناسب هرفصل را انتخاب و با همکاری مجله پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان و فروشگاه مرکزی شهرکتاب، معرفی می‌کنند. کافی است «لاک‌پشت‌پرنده» را در موتورهای جست‌وجوگر اینترنتی بنویسید تا به این فهرست‌ها دست پیدا کنید.

روزی برای کتاب کودک

دوم آوریل -سیزدهم فروردین- زادروز هانس کریستین اندرسن، روز جهانی کتاب کودک است. این روز از سال۱۹۶۷ به پیشنهاد یلا لیپمن از سوی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان، روز جهانی کتاب کودک نام‌گذاری شده است و هرساله در سراسر جهان با کمک شعبه‌های ملی این بنیاد جشن گرفته می‌شود. هرسال نیز شعار، پیام و پوستری به مناسبت این‌روز از سوی کشوری منتشر می‌شود.

پیام امسال را «مروه عبید رشید العقروبی»، از کارشناسان برجسته ادبیات کودک و نوجوان امارات و رئیس هیات (UAEBBY) داده است. او در ارتقای جایزه کتاب کودک «اتصالات» امارات نقش بسزایی داشته و مبتکر طرح نهضت خواندن، به‌نام «بخوان، تخیل و خلق کن» در شعبه امارات است.

پوستر امسال را هم «نسیم عبابیان» آفریده است. او در اصفهان به دنیا آمده، در جنوا تحصیلات ابتدایی را گذرانده و مدرکش را از دانشگاه آمریکایی شارجه و دانشگاه هنر و معماری ساوانا گرفته است و اکنون در دانشگاه دوبی تدریس می‌کند.ترجمه این پیام را محبوبه نجف‌خانی انجام داده است:

فرهنگ‌های گوناگون قصه واحدی را روایت می‌کنند. با اینکه از تنوع زبانی، پیشینه فرهنگی و اجتماعی گوناگونی برخورداریم، اما از قصه‌های یکسانی بهره می‌بریم: قصه‌های ملل... یا قصه‌های عامیانه، وجه مشترک ماست که طی قرون و اعصار به زبان‌ها و شکل‌های گوناگون برای ما نقل شده‌اند، اما این قصه‌ها همیشه ثابت مانده‌اند... هر خط داستانی، آغاز، میانه و پایانی دارد.

همه ما این قصه‌های مشابه را می‌شناسیم و به آنها عشق می‌ورزیم. همه ما این قصه‌ها را با روایت‌ها و زبان‌های مختلف شنیده‌ایم، با وجود این، قصه همیشه همان است؛ یک قهرمان... یک شاهزاده... و یک ضدقهرمان و مهم نیست زبان و اسمشان چیست یا چهره‌شان چگونه است، قصه همیشه همان است، هر خط داستانی، آغاز، میانه و پایانی دارد.

همیشه همان قهرمان... همان شاهزاده... و همان ضدقهرمان که درگذر زمان ثابت مانده‌اند... آنها همراه و همدم ما هستند، در رویاهایمان با ما نجوا می‌کنند و با صداهایی که مدت‌هاست خاموش شده‌اند، همچنان برایمان قصه می‌گویند و تا ابد در قلب‌هایمان زنده می‌مانند، چراکه ما را در سرزمینی پُرمزوراز و خیال‌انگیز گردهم می‌آورند تا عاقبت تمام فرهنگ‌های گوناگون درهم آمیزند و یک قصه را روایت کنند.

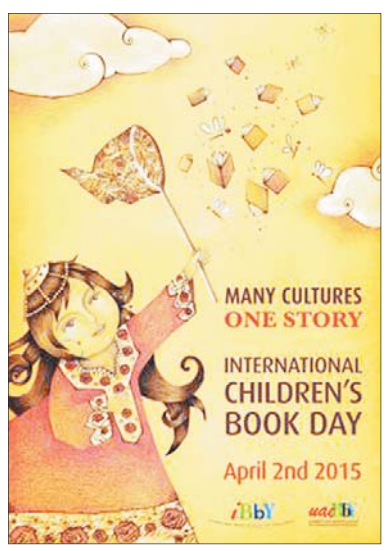

همراهان

نوجوان ۱۷ساله

معصومه انصاریان*

انجمن نویسندگان کودک‌ونوجوان در ۲۴آذرماه۱۳۷۷ پا به عرصه وجود گذاشت و اکنون خود نوجوانی است ۱۷ساله. اما سرگذشت این نهاد ۱۷ساله ماجراها دارد. آن روز که دولت اصلاحات یک‌ساله شده و بستری برای مشارکت مردم و فعالیت نهادها و تشکل‌ها فراهم شده بود، نویسندگان کودک‌ونوجوان نیز به فکر تشکلی برای خود افتادند. فریدون عموزاده‌خلیلی، مهدی حجوانی، مصطفی رحماندوست، حسین فتاحی، سوسن طاقدیس و فرهاد حسن‌زاده، شهرام شفیعی و محمدرضا پاشاک و شادروان حسین ابراهیمی (الوند) دورهم جمع شدند و با همت بلند خود، انجمن نویسندگان کودک‌ونوجوان را به ثبت رساندند. انجمن با ۴۵۰عضو نویسنده، شاعر، مترجم و روزنامه‌نگار، منتقد و پژوهشگر یکی از مهم‌ترین سازمان‌های مردم‌نهاد کشور است. انجمن، خانه‌دوم نویسندگان است؛ جایی است که نویسندگان دورهم جمع می‌شوند و درباره نیازهای حرفه‌ای، منافع صنفی و ارتقای کیفی آثار خود به گفت‌وگو می‌نشینند. انجمن اکنون این توانایی و جایگاه را پیدا کرده که به حل‌اختلافات احتمالی اعضا با ناشران کمک کند. علاوه‌بر اینکه انجمن مدافع حقوق مادی اعضاست، جایی است برای ترویج فرهنگ مدارا و تجربه کار جمعی. انجمن با برگزاری نزدیک به ۱۷انتخابات در زمینه کار تشکیلاتی کارنامه موفقی داشته است. برخی از اعضا بی‌چشمداشت برای اداره امور انجمن داوطلب شدند، وقت گذاشتند و به‌عنوان اعضای هیات‌مدیره و بازرس به اداره امور انجمن پرداختند. انجمن طی سال‌های حیات خود با مشکلات زیادی روبه‌رو شده و فرازوفرودهای بسیاری را پشت‌سر گذاشت اما از هدف اصلی خود یعنی حمایت‌وصیانت از حقوق مادی‌ومعنوی اعضا دست نکشید. راز ماندگاری انجمن را می‌توان در پایبندی هیات‌مدیره ادوار مختلف به اساسنامه انجمن و انتخابات سالم و بیش از همه اعضایی پادررکاب دانست که هرجا و هرزمان که لازم شده از انجمن حمایت و پشتیبانی کرده‌اند. با تلاش و پیگیری هیات‌مدیره ادوار گذشته انجمن، اکنون نویسندگان از پرداخت مالیات برحق‌التالیف معاف و همه آنها مشمول بیمه درمانی شده‌اند. نویسندگان جوان عضو انجمن از این امکان برخوردار هستند که آثار داستانی خود را در جلسات قصه‌خوانی در حضور نویسندگان حرفه‌ای‌تر بخوانند تا آثارشان نقد و بررسی شود. علاوه‌بر جلسات منظم قصه‌خوانی و نمایشنامه‌خوانی، تشکیل دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت داستان‌نویسی از دیگر فعالیت‌هایی است که به ارتقای کیفی نویسندگی کمک می‌کند. فعالیت انجمن نویسندگان کودک‌ونوجوان محدود به مسایل اعضا نیست. انجمن به‌دنبال ارتباط با نهادهای مشابه و همسوست. انجمن معتقد است همکاری با انجمن تصویرگران کتاب کودک‌ونوجوان و انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک به بهبود و توسعه کتاب کودک‌ونوجوان در سطح ملی و بین‌المللی کمک شایانی می‌کند. همچنین انجمن در جهت توسعه فعالیت حرفه‌ای با وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی تفاهمنامه‌ای در دومحور«ترویج کتابخوانی» و «معرفی ادبیات کودک‌ونوجوان ایران به جهان» امضا کرده است و امیدواریم به‌تدریج این تفاهمنامه در قالب قراردادهای کاری جنبه عملیاتی پیدا کند. همان‌گونه که همزمان با هفته کتاب، انجمن با همکاری وزارت ارشاد سومین جشنواره کتابخانه‌های خانگی را با موفقیت برگزار کرد.

***عضو هیات‌مدیره انجمن نویسندگان کودک‌ونوجوان**

اتفاق

معجزه جامعه مدنی در خلق یک اثر ملی

محمدهادی محمدی

اگر قرار باشد تلخی‌ها و شیرینی‌های خلق یک اثر مرجع که مجموعه ۱۰جلدی «تاریخ ادبیات کودکان» باشد را مرور کنم، از تلخی‌ها می‌گذرم که اگر باشد جزئی است به‌جز یکی از آنها که کلان است و ارزش ذکرکردن دارد. اما آن تلخی بزرگ که گریبان کار ما را در دولت پیش گرفت و هشت‌سال به درازا کشید، چنان کشنده و زهرناک بود که با این واژگان محدود نمی‌شود آن را بیان کرد. پس می‌روم سر آن چیزی که نیرومندتر از نیروی دولتی در آن هشت‌سال بود و ما را در انجام این کار بزرگ سرپا نگه داشت و آن‌هم معجزه جامعه مدنی بود. ما در آغاز و اکنون هم یک نهاد کوچک اما پرتوان بودیم و هستیم که اندیشه‌های بلند برای فرهنگ و مطالعات کودکی داشتیم و داریم. کارمان ملی است بنابراین نگاهمان گروهی و جناحی نیست. نمونه آن هم گردآوری ۲۲هزار رکورد و سند برای ساخت موزه بزرگ فرهنگ کودکی است که تاکنون البته به سبب کرختی برخی تصمیم‌گیران دولتی و شهرداری به نتیجه نرسیده است.

از نگاه ما معجزه جامعه مدنی، مانند نخ‌های نازک و نامرئی است که استمرار فرهنگی یک جامعه را در سخت‌ترین وضعیت‌ها ممکن می‌کند. در کار ما نمونه آن فراوان است. پس از انتشار ۱۰جلد کتاب و بازچاپ برخی جلدها مانند جلد اول تا چهارم هنوز هم ناشر این مجموعه وارد حوزه پخش سنتی کتاب نشده است و با نیروی معجزه جامعه مدنی تک‌تک و اندک‌اندک این مجموعه را به فروش می‌رساند.

در زمینه کار پژوهش نخ‌های نامرئی جامعه مدنی پررنگ‌تر یا مرئی‌تر می‌شود. بسیاری از مردم شیفته فرهنگ ایران بودند که سخاوتمندانه آنچه نتیجه کوشش ده‌هاساله‌شان بود در اختیار ما قرار دادند. نمونه آن باارزش‌ترین مجموعه کتاب‌های بچه‌خوانی یا نسخه‌های چاپ سنگی است که مهدی آذریزدی با سخاوت تمام در اختیار موسسه ما قرار داد که در موزه فرهنگ کودکی قرار بگیرد. ده‌هانفر دیگر از بزرگان یا مردم عادی بودند که با ما چنین کردند و موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان را موسسه خودشان دانستند. هرچه داشتند آوردند و در کنارمان ایستادند تا ما بتوانیم آن تلخی بزرگ را تاب بیاوریم. در زمینه پشتیبانی‌های مالی و لجستیک هم باز وضعیت ما چنین بوده است. اگر تا امروز ادامه داده‌ایم، نتیجه معجزه جامعه مدنی بوده است. کمک‌ها به ما چنان نبوده است که خود نیز برای کارهای فرهنگی نکوشیم، اما این‌قدر بوده است که توان ما را برای تاب‌آوردن افزون کرده است. همه اینها پس از ۱۵سال کار مداوم ما را به این نتیجه رسانده که جامعه ایران در یک پیچ تاریخی قرار دارد و آن پیچ هم، پیش‌افتادن جامعه مدنی از دولت نفتی است. این راه دشوار نتیجه تلاش میلیون‌ها انسان است که برای بهروزی جامعه خود از دوره مشروطه تا امروز بی‌امان کار کرده‌اند.

ما از تلخی‌ها نمی‌گوییم چون ارزش یادآوری ندارد، اما از شیرینی‌ها می‌گوییم که معجزه جامعه مدنی پیش‌روی ما نهاد. یکی از شیرین‌ترین آنها هم شناخت ژرف‌تر کوشندگان فرهنگ کودکی در

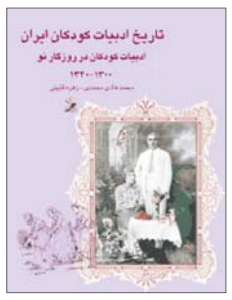

این سرزمین بود که چگونه یکه و تنها این بنا را ساختند و به دیگران سپردند. جلدهای ۸ تا ۱۰مجموعه تاریخ ادبیات کودکان که برای شش‌سال مورد مهر دولت مهرورزی قرار گرفت، از معماران بزرگی می‌گوید که شورای کتاب کودک، کانون پرورش فکری و بخشی از آموزش‌وپرورش خلاق ایران را ساختند و پیش بردند. آشنایی با این چهره‌ها برای ما شیرین‌ترین زمان‌های کارمان بود و هنگامی که آنها را با معجزه‌گران جامعه مدنی سهیم می‌شدیم، شادی و شیرینی کارمان دوچندان می‌شد. ما می‌دانیم اکنون بسیاری از دانشجویان در پژوهش‌های خود از این منبع باارزش استفاده می‌کنند. هربار دانشجویی در تماس با ما سپاسی به سوی ما می‌فرستد، ما این سپاس را با همه آنها که پشتیبان ما بودند و هم‌اکنون نیز هستند، سهیم می‌شویم. در یکی از آخرین تماس‌ها که سال گذشته به لطف یکی از دوستداران و همین همراهان یعنی منصور یاقوتی از کرمانشاه ممکن شد، یک دبیر بازنشسته در ۹۰سالگی با سنجش کار ما با دهخدا، با زبانی رسا و پارسی پیراسته چنان ما را به مهر نواخت که برای من که به صدای او گوش می‌کردم، چنین سطحی از هوشیاری باورکردنی نبود، اما چون به معجزه جامعه مدنی باور داریم، باور کردیم. ما با همه فشارها و سختی‌ها کار خود را کردیم، اما این کار را بدون همراهی معجزه جامعه مدنی ممکن نبود به سرانجام برسانیم. ما اکنون به لطف مجموعه تاریخ ادبیات کودکان زنجیره‌ای از دوستان در سرتاسر ایران و جهان داریم که در کنار ما و یاور ما هستند زیرا جامعه مدنی می‌داند این کار من یا ما نیست، بلکه کار همه مردم است. دیر یا زود ما نخواهیم بود، اما این اثر برای این مردم می‌ماند، می‌توانند با استناد به آن به خود ببالند که بیش از سه‌هزارسال پیش مردمی در شوش بودند که شیوه آموزش الفبا و زبان را چنان به کودکان آموزش می‌دادند که باورکردنش برای اهل فن هم دشوار است. خواهند دانست که افسانه درخت آسوریک یا افسانه درخت خرما و بز، در یک استمرار فرهنگی بیش از دوهزارساله از دبستان‌های پارسی تا مکتبخانه‌های زیست‌بوم زاگرس به‌عنوان ادبیات، آموزش داده شده است. اینها و هزاران‌نمونه از آنها چیزهای کمی نیست. آنها با شاهکار بنیادگذاری کانون پرورش فکری و چرایی پایه‌گذاشتن و کوشندگان این راه آشنا می‌شوند؛ پدیده‌ای که در منطقه خاورمیانه یا آسیای آن روز و حتی امروز هم شگفت‌آور است. ما می‌دانیم هنوز هزاران‌هزار هستند که از انتشار چنین اثری بی‌خبرند اما زمانی به درازا نمی‌کشد که معجزه جامعه مدنی آنها را از این کار آگاه می‌کند.

اکنون ما در کار خود روی راه‌اندازی موزه ملی فرهنگ کودکی متمرکز هستیم. در این حوزه چون به امکانات گسترده‌ای نیاز است و این امکانات گسترده بیشتر در دست دولت و شهرداری متمرکز است، کار پیش نمی‌رود. همسایگان ما مانند ترکیه موزه فرهنگ کودکی‌شان را راه انداخته‌اند، اما ما نه، آیا معجزه جامعه مدنی می‌تواند دولت و شهرداری را قانع کند که سرزمین ما ایران با هزاران‌سال فرهنگ تابناک نیاز به یک موزه ملی در عرصه فرهنگ کودکی دارد؟